

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

خالق داد پغمانی – مونشن
۰۳ جنوری ۲۰۱۵

«عین و غین» را دریابید، طالب پیشکش تان!

از همان نخستین روز هائی که باند مزدور، میهنفروش و جنایتکار خلق و پرچم، در پی و پوشش یک کودتای خونبار، حاکمیت بر افغانستان را از ارباب غارتگر شان، شوروی متوفا، دریافت داشتند و با قساوت جنگ را علیه مردم افغانستان در کل اعلام داشتند، اگر بنویسم به موازات باران گلوله و آتش توپ، هاوان، راکت و بمب، کلمه صلح نیز از طرف تمام نیروهای درگیر مورد سوءاستفاده قرار گرفته است، به گواهی تاریخ خونبار کشور، حرف گزافی نگفته ام. در این مختصر بدون آن که قصد آن را داشته باشم تا سوءاستفاده از واژه صلح و صلح خواهی را در بستر این ۳۷ سال برشمارم که بدون آن هم کاریست فرا تر از توان این ناتوان، توجه خوانندگان عزیز را به دریوزه گری ها، کلاهبرداریها و دروغگوئی های اداره مستعمراتی حکومت «وحشت ملی» جذب می نمایم.

باز هم جهت اختصار کلام، از این می گذریم که تمام کاندیدان به اصطلاح مقام ریاست جمهوری، حین مبارزات به اصطلاح انتخاباتی شان چه میزان از صلح حرف زده و هریک با کدام کلمات و ناز های «مکش مرگ ما» در تحمیق مردم تلاش به خرج دادند. از این هم می گذریم که دو کاندید به اصطلاح پیشتاز از جمع دیگران، تا قبل از انتصاب به کرسی های «ریاست جمهوری» و «ریاست اجرائیه» از جانب کمیسیون مستقل انتخابات- بخوانید هیأت گزینش افراد بعد از کرزی- چگونه و به چه اندازه می خواستند با کلمه صلح، دهن مردم را شیرین نمایند. حرفم را فقط و فقط به زمانی اختصاص می دهم، که ترکیب «عین و غین» شکل گرفته، و هریک از مبنای حرکت خود با تمام قواء کوشش به عمل می آورد تا افغانستان «عین» و یا «غین» دیده شود.

همه به خاطر داریم که به دنبال قسمی که به قرآن، قسم خوران حرفه ئی خوردند که حامی وحدت افغانستان، منافع مردم آن، حافظ صلح و چه و چه خواهند بود، «غین» در نخستین حرکات نمایشی به دنبال آن که چندین بار از مهمانان ملکی و عسکری پاکستان- بخوانید قیم طالب- در داخل افغانستان پذیرائی به عمل آورد، مسافرتهاى خارجی اش را از عربستان آغاز و به دنبال چین از پاکستان سرکشیده و در آنجا با شاید بچگانی که در رأس دولت پاکستان قرار دارند، به مذاکره نشست، تا به اصطلاح در مورد آوردن صلح در افغانستان مذاکره نماید، «عین» بدون آن که خود پای پیش نماید از طریق ایادی خود فروخته و دیوانگان آشکار و پنهانش، با تکیه بر بلند گوی تلویزیون «طلوع» این اساسی ترین محراق همکاری های اشغالگران امریکائی و نواله خوران آنها در هیأت رژیم آخندى ایران، جنگ تبلیغاتی عظیمی را علیه باند رقیب یعنی «غین» به راه انداخته، شعور مردم را به مسخره گرفت.

باز هم همه شاهد بودیم که وقتی «غین» یا زیر فشار باند «عین» و یا هم تقلب دیگری، به دنبال یکی از حملات انتحاری، باد به غیغب انداخته، دم از آن زد که گویا چنین اعمالی را تحمل نتوانسته و از طریق معاون اولش- «بیلوی

غین»- اخطار صادر کرد، که چنین اعمالی را در نطفه خفه خواهد نمود، «عین» با یک چرخش ۱۸۰ درجه ئی، پای اخوت اسلامی را به میان کشیده، بیچاره کلمه صلح را برای «N» مرتبه به چهار میخ کشید.

این بازی نه تنها از طرف «عین و غین» طی حدود این صد روز ادامه داشته و دارد، بلکه بادران دور و نزدیک آنها از امریکا گرفته تا روسیه، و از عربستان سعودی و پاکستان گرفته تا ایران و هند نیز، به هر مناسبتی با کلمه صلح و تلاش برای استقرار آن، بازی نموده اند؛ آنچه انگیزه انشای کنونی می باشد، به صحنه وارد شدن علنی یک بازیکن جدید دیگر است به نام چین.

امروز یعنی دوم جنوری ۲۰۱۵ نخستین خبر در رسانه «بی. بی. سی» چنین معنون بود:

«هیأتی از گروه طالبان به 'چین سفر کرده است'» به ادامه خبر آمده بود:

«مقام‌های گروه طالبان شایعات اخیر را درباره سفر هیأتی از سوی این گروه به چین تأیید کرده‌اند.

مقام‌های گروه طالبان به طاهر خان، خبرنگار بی‌بی‌سی در اسلام‌آباد گفته اند که هیأتی از این گروه در ماه نومبر سال گذشته میلادی از قطر به منظور "بحث روی روابط دو جانبه بین گروه طالبان و چین و بیان موضع طالبان" به آن کشور سفر کرده است.

به گفته مقام‌های گروه طالبان ریاست این هیأت را قاری دین محمد حنیف، از نمایندگی سیاسی طالبان در قطر به عهده داشته است.

گروه طالبان جزئیات بیشتری در مورد این سفر را ارائه نکرده است.

طالبان در قطر دفتر نمایندگی دارد و پیش از این نمایندگان به کشورهای دیگری از جمله فرانسه و ایران هم سفر کرده‌اند.

ماه گذشته در یک نشست با رسانه‌ها، نماینده ویژه چین در امور افغانستان، گفت که چین خواستار آن است که حالا باید با طالبان صحبت شود و این کشور آماده است که در این زمینه کمک کند....»

وقتی این خبر را خواندم، از شما چه پنهان، شاید زیر تأثیر نوشته های استاد سخن آقای «معروفی» که در این روز های فکر و ذکر را پیدا کردن ضرب المثل های ناب به خود مشغول داشته است، به یک باره چند وجیزه در ذهنم خود را به مثابه ضرب المثل نمایان ساختند، از قبل باید بنویسم که اگر اینها ضرب المثل نبودند، از همه من جمله از استاد سخن پوزش می طلبم، چه گفته اند: «از کوزه همان تراود که در اوست»، من هم به همین درجه توان دارم، نه بیش از آن. و اما آن ضرب المثل ها:

یار در خانه و ما گرد جهان می گردیم، کار زمینه خوب ساختی که به آسمان پرداختی و...

و اما چرا این افکار ذهنم را به خود مشغول ساخت؟ علت آن است که بیچاره چینائی ها، سعودیها، ایرانی ها، پاکستانی ها، و از همه دست و پای دراز تر امریکائی ها و انگلیسها، تلاش می ورزند تا بین به گفته خودشان «گروه طالبان» و «دولت افغانستان»- بخوانید اداره مستعمراتی کابل، صلح برقرار کنند، در این مسیر مجبور اند فرش قرمز زیر پای هرکس و ناکسی بیفکنند، رنج و تعب مهمانداری از هرکس و ناکسی را بر خود هموار سازند، حال چه می شود در گام نخست بین «عین و غین» صلح آورده و به جنگ صد روزه آنها در انتخاب چند مزدور خاتمه دهند و صلح با طالبان را به مثابه پیشکش بپذیرند؟؟